



درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: اوامر

تاریخ: ۱/آبان/۱۳۹۶

موضوع جزئی: مباحث مقدماتی - واجب نفسی و غیره - تنبیهات -

مصادف با: ۳ صفر ۱۴۳۹

تنبیه سوم: عبادیت طهارات ثلاث - چگونگی حل

اشکالات پنج گانه با توجه به راه حل اول (شیخ)

و بررسی آن

جلسه: ۱۲

سال نهم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

همان طور که بیان شد مهمترین اشکال از میان اشکالات مربوط به عبادیت طهارات ثلاث اشکال دور است. اگر این اشکال پاسخ داده شود، پاسخ سه اشکال دیگر نیز معلوم می شود و تنها فرضی که محقق نایینی مطرح کردند و عبادیت طهارات ثلاث را محتملا از یک امر نفسی استحبابی دانستند باقی می ماند. زیرا در آن فرض سه اشکال جداگانه مطرح می شود که باید پاسخ داد. به هر حال اشکال دور به تفصیل بیان شد. خلاصه آن این است که اگر بخواهیم عبادیت وضو را از امر غیره استخراج کنیم دور پیش می آید زیرا خود امر غیره متعلق شده به وضوی عبادی. لذا اگر بخواهد وضو از یک امر غیره ناشی شود نتیجه این می شود که امر غیره متوقف بر عبادیت وضو و عبادیت وضو متوقف بر امر غیره می شود که به تفصیل بیان شد.

پاسخ اول از اشکال دور پاسخی است که خود مرحوم شیخ دادند. محصل پاسخ ایشان این بود که نیازی نداریم عبادیت وضو را از یک امر غیره به دست بیاوریم تا اشکال دور پیش بیاید، بلکه عبادیت وضو را از راه دیگری به دست می آوریم. به این صورت که می گوئیم وضو معنون به یک عنوان قصدی است که فی ذاته رجحان دارد. یک رجحان ذاتی در وضو است که باید قصد شود، یعنی خود آن عنوان بدون این که نیاز به امر غیره باشد. لذا کسی که می خواهد وضو بگیرد قصد می کند امر غیره به وضو را و می داند امر به وضو برای نماز است و لذا قصد امر غیره را می کند. ولی قصد امر غیره طریق برای آن قصد عنوانی است که ذاتا رجحان دارد. البته مستقیما نمی تواند آن را قصد کند زیرا امری به آن تعلق نگرفته. یعنی مکلف وضو می گیرد و اگر از او سوال کردند که چرا وضو می گیری پاسخ می دهد چون خدا دستور داده برای نماز وضو بگیرد. ولی قصد همین امر غیره به وضو در حقیقت یک طریق است و با این که قصد می کند که وضو می گیرم برای نماز ولی کانه مکلف را راهبری می کند به سوی همان عنوان قصدی وضو که فی نفسه یک رجحانی دارد. این محصل پاسخ اول جناب شیخ به اشکال دور. با این بیان کاملا روشن است که ۴ اشکال اول پاسخ داده می شود.

چگونگی اشکالات پنج گانه با توجه به پاسخ اول (شیخ انصاری)

اشکال اول: واجبات غیر ثواب مستقل ندارند اما وضو و غسل و تیمم ثواب مستقل دارند.

پاسخ: زمانی که وضو را بنفسه دارای یک رجحان ذاتی دانستیم؛ اگر وضو گیرنده این عنوان را قصد کند، این رجحان و فائده و ارزش برای وضو پیدا می شود و دیگر مسئله ثواب حل است. چون خودش یک عنوان قصدی است که ذاتا رجحان دارد و دیگر نیازی نیست که مکلف قصد امتثال امر غیر را برای آن کند. دیگر نیاز نیست عبادیت و ثواب را در این قرار بدهد که من این امر غیر را امتثال می کنم چون خدا دستور داده. بله خدا دستور داده ولی نه برای خودش بلکه برای نماز. لذا ثواب به اعتبار این است که وضو یک عنوان قصدی است که دارای یک رجحان ذاتی است و به همین سبب به آن ثواب داده می شود.

اشکال دوم: چگونه با وضو که مامور به به امر غیر است قرب به حق تعالی حاصل می شود.

پاسخ: وقتی کاری انجام می شود که عندا... دارای یک رجحان ذاتی است. خود به خود با آن کار قرب به حق تعالی پیدا می شود. یعنی قصد قربت به معنای قصد امتثال امر غیر به وضو لازم نیست زیرا در آن امر غیر قصد قربت اعتباری ندارد. بلکه همین که یک عنوان که رجحان ذاتی داشته باشد خود به خود موجب قرب به حق تعالی می شود.

اشکال سوم: واجبات غیره از امور توصلی هستند که به صرف اتیان به آن ها امر به آن ها ساقط می شود چه اراده و قصدی نسبت به آن کار داشته باشند چه نداشته باشند برخلاف وضو.

پاسخ: درست است که واجبات غیره توصلی هستند ولی این مورد یعنی وضو و غسل و تیمم بواسطه رجحان ذاتی که دارند و بواسطه این که از عناوین قصدیه ای هستند که آن رجحان ذاتی در خود این اعمال وجود دارد، باعث می شود تا آن قصد نباشد امر به آن ها ساقط نشود و قصد آن ها هم از طریق امر غیر است و قصد امر غیر به گونه ای که تاثیری داشته باشد در سقوط امر این جا لازم نیست، بلکه کسی که وضو می گیرد قصد امر غیر می کند و قصد می کند وضو گرفتن را به این جهت که به دستور خدا باید نماز را با وضو بخواند. پس قصد امر غیر می کند ولی این در واقع طریق است برای آن قصد عنوان وضو که یک رجحان ذاتی دارد. پس باز هم امر غیر تعبدی نیست و یک امر توصلی است منتهی این کانه یک روزنه ای باز می کند برای وضو گیرنده به سوی همان رجحان ذاتی که در وضو است.

اشکال چهارم: اشکال دور.

پاسخ: دور عبارت بود از این که عبادیت وضو متوقف بر امر غیر است زیرا فرض این است که می خواهیم به واسطه امر غیر به نماز عبادیتی برای وضو درست کنیم و طبق بیان شیخ عبادیت وضو از راه امر غیر درست نمی شود بلکه از راه عنوان قصدی که یک رجحان ذاتی دارد حاصل می گردد. زیرا از یک طرف امر غیر به وضو متعلق شده درحالی که این وضو باید یک وضوی عبادی باشد یعنی وضویی که قصد قربت داشته باشد و معنایش این است که امر غیر به وضو متوقف بر عبادیت وضو است و نمی شود این را کاری کرد. زیرا بالاخره وضویی مقدمه نماز است که عبادت باشد و با صرف شستن دست و صورت و مسح نمی توانیم وارد نماز شویم بلکه باید قصد قربت کنیم. امری هم که آمده، متعلق به همین وضوی عبادی شده و چون حکم از موضوع متاخر است معنایش این است که حکم به یک معنا متوقف بر موضوع است. پس امر غیر به وضو متعلق است بر

عبادیت وضو که نمی شود این را کاری کرد. لذا باید به سراغ طرف دیگر دور رفت. یعنی باید توقف عبادیت وضو بر امر غیری را از بین ببریم و جناب شیخ انصاری با پاسخشان این کار را کرده است. ایشان می گویند: ما عبادیت را از راه دیگر درست می کنیم یعنی لزوماً این طور نیست که عبادیت وضو از راه امر خدا به عنوان مقدمه نماز حاصل شود. درست است که خدا فرموده «توضا للصلوه» ولی ما عبادیت وضو را از این امر غیری نمی توانیم به دست آوریم. بلکه از رجحان ذاتی وضو این عبادیت را می فهمیم و آن را قصد می کنیم. پس ضلع دوم دور یعنی توقف عبادیت وضو بر امر غیری از بین رفت و دور نیز از بین می رود.

اشکال پنجم (محقق نایینی): یک وجه اشکال ایشان همان اشکال دور است که پاسخ آن معلوم شد. وجه دیگر این است که با توجه به اشکال دور عبادیت وضو را اساساً از امر غیری به دست نیاوریم بلکه آن را از یک امر نفسی استحبابی به دست آوریم که سه اشکال متوجه این فرض میشود:

۱. بر فرض از راه امر نفسی استحبابی بخواهیم عبادیت طهارات ثلاث را درست کنیم فقط در باب وضو و غسل قابل قبول است اما در باب تیمم قابل قبول نیست.

پاسخ: درست است که تیمم امری نفسی و استحبابی ندارد (بله امر نفسی استحبابی به وضو یا غسل بر طبق بعضی از روایات تعلق گرفته) ولی طبق راه ارائه شده توسط شیخ خود تیمم یک رجحان ذاتی دارد که اگر آن عنوان قصد شود عبادیت آن نیز درست می شود و لازم نیست که امر نفسی استحبابی داشته باشد. حتی در مورد وضو و غسل نیز این سخن را می توانیم بگوییم. اصلاً هر سه را با این روش عبادیتشان را درست می کنیم.

۲. اگر بخواهیم عبادیت وضو را از راه یک امر نفسی استحبابی درست کنیم آن وجوب غیری باید کنار رود زیرا امکان ندارد اجتماع دو حکم مانند هم در موضوع واحد پیش بیاید. یعنی نمی شود وضو هم واجب بالوجوب غیری باشد برای نماز و هم خودش فی نفسه مستحب باشد چون اجتماع مثلین می شود که محال است.

پاسخ: وقتی می گوییم طهارات ثلاث رجحان ذاتی دارند و عناوین قصدیه ای هستند که با قصد آن عناوین عبادیت برای آن ها درست می شود معنایش این است این چیزی که دارای این رجحان ذاتی است اجتماعش با وجوب غیری اشکالی ندارد. بله اگر گفتیم که وضو استحباب نفسی دارد و وجوب غیری هم دارد اجتماع مثلین پیش می آید ولی الان نمی گوییم که وضو استحباب نفسی دارد بلکه می گوییم یک رجحان ذاتی دارد که به عنوان مقدمه نماز وجوب غیری هم پیدا کرده.

۳. اگر عبادیت وضو از راه یک امر نفسی استحبابی درست شود، نباید بدون قصد این امر استحبابی نفسی بعضی از اعمالمان را که مقدمه یک عمل دیگر است صحیح باشد. مثلاً بدون قصد این امر نفسی متعلق به وضو نباید وضوی ما به عنوان امر غیری برای نماز صحیح باشد. در حالی که صحیح است. یعنی کسی که وضو می گیرد اگر هیچ توجهی به استحبابش نداشته باشد و فقط قصدش این باشد که این امر غیری به وضو برای نماز را انجام بدهد این کافی است و نمازش صحیح است.

پاسخ: اگر ما طبق نظر شیخ قائل شدیم امر نفسی استحبابی به وضو متعلق نشده است بلکه یک رجحان ذاتی در وضو وجود دارد و این یک عنوان قصدی است که اگر قصد شود همان رجحان محقق می شود در این صورت دیگر عبادیت

متولد از امر نفسی استحبابی نیست تا بگوییم بدون آن عمل صحیح نیست. لازمه اخذ عبادیت وضو از امر نفسی استحبابی این است که آن امر نفسی استحبابی اخذ شود اما اگر قائل به راه حل مرحوم شیخ شدیم دیگر آن اخذ قصد آن امر استحبابی موضوعیت ندارد و مشکلی نیست.

خلاصه بحث

تا کنون پنج اشکال در باب طهارات ثلاث مطرح شد و راه حل مرحوم شیخ انصاری نیز تبیین شد. ایشان یک کلید به دست ما داد که با این کلید کانه می توان تمام این اشکالات را برطرف کرد. زیرا همه این اشکالات ناشی از این است که عبادیت وضو از راه امر غیری درست شود. اما اگر بتوانیم عبادیت وضو را از راه دیگری ثابت کنیم دیگر این اشکالات پیش نمی آید. ایشان می فرماید: ما نه نیاز به امر غیری داریم نه نیاز به یک امر نفسی استحبابی. شما مگر عبادیت طهارات ثلاث را نمی خواهید؛ مگر نمی گوئید طهارات ثلاث اعمالی هستند که مقدمه و واجب غیری می باشند اما در عین حال عبادت و ثواب نیز دارند. ما این عبادیت و ثواب را از طریق عنوان قصدی و تعلق آن به چیزی که رجحان ذاتی دارد حل می کنیم.

بررسی پاسخ اول (شیخ انصاری)

اشکال اول

این راه حل، حل مسئله از طریق اکل از قفا است؛ دور کردن راه و مسافت است. این راه حل فی نفسه اشکالی ندارد، بالاخره مسئله و مشکل دور و ترتب ثواب و مسئله قرب به حق تعالی و تالی فاسدهای سه گانه در فرض این که یک امر نفسی استحبابی باشد را حل می کند. ولی مسئله این است که این راه حل، راه دور کردن است و ما نیازی به این نداریم. این که بگوییم یک عنوان قصدی دارد و باید این عنوان قصدی تحقق پیدا کند مثل تعظیم و یک رجحان ذاتی دارد لازم نیست. اشکال با التزام به این که وضو یک استحباب ذاتی دارد. حل می شود. چنان چه در بیان پاسخ محقق خراسانی توضیح داده خواهد شد اجمالا آن چه که اینجا میتوانیم ذکر کنیم این است که راه کوتاه تری وجود دارد که محقق خراسانی به آن اشاره کرده اند.

خلاصه: بدون نیاز به دور کردن راه از راه های کوتاه تری نیز می توانیم این اشکال را حل کنیم.

اشکال دوم

مرحوم شیخ گفتند: امر غیری در واقع طریق برای آن عنوان مجهول است که ما نمی دانیم چیست. حال می گوییم شما ادعا می کنید یک عنوان مجهولی وجود دارد که رجحان ذاتی دارد و باید قصد شود؛ اما آیا قصد آن عنوان مجهول منحصر در همین راهی است که شما گفته اید. یعنی ما بگوییم امر غیری باید باشد و این امر غیری به وضو در واقع ما را هل دهد به وضو و از طریق آن ما قصد کنیم آن عنوان مجهول را. در حالی که راه دیگری است و شارع می تواند آن کار را انجام دهد. یعنی به جای این که بخواهد امر غیری را داعی به سوی عمل قرار دهد خود عنوان را توصیف کند. یعنی خود آن عنوان را برای ما توصیف کند بعد از یک راه دیگری ما را تشویق کند به انجام آن عمل. لازم نیست که از راه امر غیری باشد ولی حداقل می تواند توصیف کند آن عنوان مجهول را و از یک راه دیگری مثل این که بگوید وضو دارای این خواص است ما را به انجام عمل ترغیب کند. عبادیت وضو لزوماً از راه امر غیری آن هم به طریقی که شیخ گفتند حاصل نمی شود شارع می تواند به غیر از امر غیری با توصیف کردن، آن حقیقت را به ما بشناساند و با یک طریق دیگر ما را تشویق به انجام آن کند.

خلاصه: اگر غرض از قصد امر غیری این باشد که متوجه شویم به آن عنوان قصدی راجح، این ضرورتی ندارد و راه منحصر در این نیست.

نتیجه

فی نفسه اشکالی متوجه راه حل شیخ نیست الا این که یک راه غیر ضروری و غیر لازم و دوری را انتخاب کرده درحالی که راه های جایگزین و بهتری برای حل این مشکل نیز وجود دارد.

«الحمد لله رب العالمین»